

حضرت زهرا سلام الله عليها «فدك» را چند مرتبه مطالبه کردند؟

فهرست

- ۱..... پاسخ اجمالي
- ۲..... پاسخ تفصيلي
- ۲..... فصل اول: اعطاي فدك از سوي رسول خدا صلي الله عليه وآله به فاطمه زهرا سلام الله عليها
- ۱۱..... فصل دوم: مراحل مطالبه فدك از سوي حضرت زهرا سلام الله عليها
- ۱۲..... ا: مطالبه فدك به صورت حضوري (به عنوان هديه بودن فدك)
- ۱۷..... ب: مطالبه فدك به صورت حضوري (با ادعای میراث)
- ۲۳..... ج: مطالبه فدك به صورت غير حضوري (با عنوان ادعای میراث)
- ۲۴..... د. مطالبه و درخواست از عموم مردم ، براي احقاق حق
- ۲۷..... نتیجه
- ۲۸..... چند سؤال از اهل سنت

پاسخ اجمالي:

بعد از این که ابوبکر توسط عده‌ای به خلافت رسید، باغ فدك را که ملك خالص حضرت زهرا سلام الله عليها بود، از ایشان گرفته و کارگران ایشان را از آنجا بیرون انداخت؛ نه تنها فدك از سوي دستگاہ خلافت گرفته شد؛ بلکه حضرت زهرا سلام الله عليها از ارث اموال و ما ترك پدر نیز محروم گردید و همچنین ابوبکر سهم بني‌هاشم (ذوي القربای پیامبر) را از خمس خیبر، قطع کرد.

حضرت زهرا سلام الله عليها، ابتدا فدك را به عنوان مال شخصي و هديه‌ي پدر، مطالبه نمود. بر اساس برخي روايات، ابوبکر با تصدیق سخن دخت گرامی پیامبر صلي الله عليه وآله، نامه‌ي رد فدك را براي عامل خود نوشت؛ اما این نامه توسط عمر در همان مجلس و یا در میان راه پاره شد و نوشته‌ي آن محو گردید.

این مطلب را در پاسخ به سؤالی بررسی کرده‌ایم:

آیا عمر سند و قباله‌ی فدک را از دست حضرت زهرا (سلام الله علیها) گرفت و پاره کرد؟

حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها بار دیگر مطالبه‌ی فدک را با عنوان دیگر که باز هم حق مسلم ایشان را ثابت می‌کرد، ادامه داد و آن ادعای میراث و ارث بردن از پدر است؛ یعنی بر فرض این که رسول خدا فدک را به ایشان نبخشیده باشد، چون فاطمه سلام الله علیها تنها وارث پیامبر می‌باشد، و از طرفی به اتفاق مسلمانان فدک متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، اموال پدر را ارث می‌برد و در نتیجه فدک حق ایشان خواهد بود.

ابو بکر ادعای بخشش و هدیه بودن فدک را با رد شهادت شاهدان حضرت نپذیرفت. و ادعای میراث بودن آن را نیز با جعل روایت «لَا نُورْثُ، مَا تَرَکْنَا صَدَقَةً»، انکار کرد.

مطالبه دیگر حضرت زهرا سلام الله علیها سهم خمس بود که در این قسمت نیز ابوبکر روایت «سَهْمُ ذَوِي الْقُرْبَى لَهُمْ فِي حَيَاتِي وَلَيْسَ بَعْدَ مَوْتِي»، را ساخت و در نهایت اهل بیت را از همه حقوق شان محروم کرد. در روایات اهل سنت مطالبه‌ی فدک از طریق ادعای میراث بیشتر گزارش شده و روی این نقطه دست گذاشته اند و انگار دستهایی در کار بوده است که حق مسلم ایشان را به فراموشی سپارند؛ اما برخی از منابع آنها روایاتی را که حکایت از هدیه و بخشش فدک دارد نیز با سند معتبر آورده اند.

با بررسی روایات این موضوع، مطالبات آن حضرت به صورت مکرر، و با عناوین مختلف و حد اقل پنج مرتبه بوده است.

پاسخ تفصیلی:

پاسخ تفصیلی را در ضمن چند فصل بیان می‌کنیم:

فصل اول: اعطای فدک از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا سلام الله علیها

روایات متعدد در منابع شیعه و اهل سنت بیان می‌کنند، که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از این که فدک را از یهودیان خیبر تسلیم شد، آن را به دخترش حضرت زهرا سلام الله علیها بخشش نمود.

روایت اول از ابو سعید خدری: (با سند صحیح)

ابویعلی موصلی از قدماء اهل سنت روایتی را از ابو سعید خدری چنین نقل می‌کند:

قَرَأْتُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ الطَّحَّانِ فَقَالَ: هُوَ مَا قَرَأْتُ عَلَى سَعِيدِ بْنِ حُثَيْمٍ، عَنْ فَضِيلٍ، عَنْ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الْآيَةُ: وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ. دَعَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ وَأَعْطَاهَا فِدَكَ.

« ابوسعید خدری (صحابی معروف پیامبر) گفت: هنگامی که این آیه: «سهم ذوی القربی را به آنان بده»، نازل شد، رسول خدا فاطمه را خواست و فدک را به ایشان عطا کرد.»

أبو يعلى الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبي يعلى، ج ٢، ص ٣٣٤ و ج ٢، ص ٥٣٤، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

همین روایت را با اندک تغییر در سند، در جای دیگر این گونه نقل کرده است:

قَرَأْتُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدِ الطَّحَّانِ، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ حُثَيْمٍ، عَنْ فَضِيلٍ، عَنْ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: " وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ " دَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ وَأَعْطَاهَا فِدَكَ "

أبو يعلى الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى ٣٠٧ هـ)، مسند أبي يعلى، ج ٢، ص ٥٣٤، تحقيق: حسين سليم أسد، ناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

اشکال سندی روایت و پاسخ آن

این روایت از نظر متن ثابت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فدک را پس از نزول آیه، به حضرت زهرا سلام الله علیها بخشیده است. اما از نظر سندی برخی از علمای اهل سنت بر آن اشکال گرفته‌اند.

هیثمی از علمای رجال اهل سنت، پس از نقل روایت، تنها «عطیه» را در سند آن ضعیف می‌داند و می‌نویسد: قوله تعالى (وآت ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) عن أبي سعيد قال لما نزلت (وآت ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم فاطمة فأعطاه فدك رواه الطبراني وفيه عطية العوفي وهو ضعيف متروك.

«از ابو سعید نقل شده که او گفت: هنگامی که آیه «وآت ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله فاطمه را خواست، و فدک را به ایشان عطا کرد. این روایت را طبرانی نقل کرده و در سند آن عطیه عوف ضعیف و متروک است.»

الهیثمی، ابوالحسن علی بن ابی بکر (متوفای ٨٠٧ هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ٧، ص ٤٩، ناشر: دار الریان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة، بیروت - ١٤٠٧ هـ.

توثیقات عطیه عوفی از سوی علمای اهل سنت و وهابی

از آنجایی که تنها ایراد این سند، جناب عطیه است، ما نیز تنها احوال ایشان را از نظر علمای رجال اهل سنت بررسی می‌کنیم.

مشخصات کامل «عطیه»، عطیه بن سعد بن جنادة است. و علمای اهل سنت ایشان را از رویان بزرگ می‌دانند و توثیق کرده‌اند. برای اثبات این مطلب سخنان آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. توثیق هیثمی:

خود هیثمی عطیه بن سعید را (که در اینجا او را ضعیف محسوب کرده)، در جای دیگر توثیق کرده است:

رواه أحمد وفيه عطية بن سعيد وفيه كلام وقد وثق.

«این روایت را احمد نقل کرده و در سند آن عطیه قرار دارد که در باره او سخن گفته شده ولی به تحقیق توثیق

شده است.»

مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۱۲۰

۲. توثیق عجلی کوفی:

وی در کتاب «معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث» نام ایشان را آورده و به توثیق وی تصریح کرده

است:

۱۲۵۵ عطية العوفي كوفي تابعي ثقة وليس بالقوي.

«عطیه عوفی از اهل کوفه، تافی و موثق است اما قوی نیست.»

العجلی، أبي الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفای ۲۶۱هـ)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث

ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم وأخبارهم، ج ۲، ص ۱۲۵۳، تحقیق: عبد العظیم عبد العظیم البستوی، ناشر: مکتبه الدار -

المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵م.

۳. ملا علی قاری:

وی در باره او می‌گوید :

عطية بن سعد العوفي، وهو من أجلاء التابعين .

«عطيه بن سعد عوفي، از بزرگان تابعان است.»

القاري ، ملا علي (وفات ۱۱۰۴)؛ شرح مسند أبي حنيفة، ص ۲۹۲ ، ناشر : دار الكتب العلمية بيروت

۴. توثيق محمد بن جرير طبري :

در مورد او مي گويد :

منهم عطية بن سعد بن جنادة العوفى ... وكان كثير الحديث ثقة إن شاء الله.

«از جمله آنها عطيه بن سعد بن جناده عوفي است... وي روايات فراوان نقل کرده و انشاء الله موثق است.»

الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر (متوفاي ۳۱۰هـ) المنتخب من ذيل المذيل

، ج ۱، ص ۳۰۴ ، طبق برنامه الجامع الكبير

۵. توثيق ابن سعد:

مولى الطبقات نیز مي نويسد :

عطية بن سعد بن جنادة العوفى ... وكان ثقة إن شاء الله وله أحاديث صالحة.

«عطيه بن سعد... انشاء الله ثقه است و روايات خوبي دارد.»

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابوعبدالله البصري (متوفای ۲۳۰هـ)، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۳۰۴ ، ناشر:

دار صادر - بيروت.

۶. يحيى بن معين :

وي از بزرگان علم رجال اهل سنت و از متشددین روايات است و عطيه را صالح مي داند:

قيل ليحيى كيف حديث عطية قال صالح.

«براي يحيى بن معين گفته شد، روايت عطيه چگونه است؟ گفت: خوب است.»

يحيى بن معين أبو زكريا (متوفاي ۲۳۳هـ)، تاريخ ابن معين (رواية عثمان الدارمي)، ج ۳ ، ص ۵۰۰، تحقيق:

د. أحمد محمد نور سيف، دار النشر: دار المأمون للتراث - دمشق - ۱۴۰۰

ابن جعد نیز سخن یحیی بن معین را نقل کرده است:

۲۰۴۸ حدثنا بن زنجويه نا زيد بن الحباب نا فضيل بن مرزوق الأغر الرؤاسي نا أبو إسحاق وحدثنا عباس سمعت

یحیی بن معین یقول عطية العوفي هو عطية الجدلي قيل ليحيى كيف حديث عطية قال صالح.

الجوهري البغدادي، علي بن الجعد بن عبيد ابوالحسن (متوفای ۲۳۰هـ) مسند ابن الجعد، ج ۱، ص ۳۰۲ ،

تحقیق: عامر أحمد حيدر، ناشر: مؤسسة نادر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰هـ - ۱۹۹۰م.

۷. تصحيح روايت عطيه توسط ترمذي:

ترمذي صاحب يكي از صحاح سته اهل سنت، روايات عطيه را صحيح مي داند:

۲۳۸۱ حدثنا أبو كريب حدثنا معاوية بن هشام عن شيبان عن فراس عن عطية عن أبي سعيد قال قال رسول الله

صلى الله عليه وسلم من يرأى يرأى الله به وَمَنْ يَسْمَعُ يَسْمَعُ الله به قال وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم من لا

يرحم الناس لا يرحمه الله وفي الباب عن جندب وعبد الله بن عمرو قال أبو عيسى هذا حديث حسن صحيح من هذا

الوجه

«... سند روايت از اين طريق حسن و صحيح است.»

الترمذي السلمى، ابو عيسى محمد بن عيسى (متوفای ۲۷۹هـ)، سنن الترمذي، ج ۴ ، ص ۵۹۱ ، تحقيق: أحمد

محمد شاکر وآخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

و در چندین جای دیگر روایت وی را تصحیح می کند؛ از جمله در آدرسهای ذیل:

سنن الترمذي ج ۴، ص ۶۷۰ ش ۲۵۲۲،

سنن الترمذي ج ۴، ص ۶۹۳ ش ۲۵۵۸ ،

۸. تصحيح روايت عطيه توسط حاکم نیشابوري:

حاکم نیشابوري نیز روایت عطیه را صحیح می داند:

۷۸۹۹ أخبرنا عبد الله بن الحسين بمرورنا ثنا الحارث بن أبي أسامة ثنا هاشم بن القاسم ثنا أبو عقيل عبد الله بن

عقيل الثقفي عن ربيعة بن يزيد وعطية بن قيس عن عطية بن سعد رضي الله عنه وكان من أصحاب رسول الله صلى الله

عليه وسلم أنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الرجل لا يكون من المتقين حتى يدع ما لا بأس به حذرا لما به بأس هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.

المستدرک علی الصحیحین ج ٤ ، ص ٣٥٥

٩. تصحيح رواية عطيه توسط قطيعي و ترمذي:

احمد بن حنبل روايتي را در فضيلت ابوبكر و عمر نقل کرده که علمای ديگر اهل سنت اين روايت را تصحيح کرده اند. متن روايت اين است:

١١٩٠٠ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا بن فضيل ثنا سالم يعني بن أبي حفصة والأعمش وعبد الله بن صهبان وكثير التواء وابن أبي ليلى عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان أهل الدرجات العلى ليبراهم من تحتهم كما ترؤن النجم الطالع في أفق من آفاق السماء ألا وان أبا بكر وعمر منهم وأنعمًا

عطيه از ابو سعيد خدري نقل کرده است که رسول خدا صلي الله عليه وسلم فرمود: کسانی که در درجات بالا هستند، کسانی را که پايين تر آنها هستند، مي بينند همانگونه که ستارگان را که از افق آسمان طلوع مي کند، مي بينند. ابوبکر و عمر از جمله اين افراد هستند.

مسند أحمد بن حنبل ج ٣، ص ٩٣

بدر الدين عبد الله بدر محقق كتاب «جزء الالف دينار، بعد از نقل روايت، سند را تصحيح کرده است:

١٥٠ حدثنا الفضل قال حدثنا عثمان بن عبد الله البيهقي قال حدثنا سلمة ابن سنان الأنصاري عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم (إن أهل الدرجات العلى ليراهم من هو أسفل منهم كما تراءون الكوكب الدري في أفق السماء وإن أبا بكر وعمر منهم وأنعمًا) صحيح.

القطيعي، أبو بكر أحمد بن جعفر بن حمدان (متوفاي ٣٦٨هـ)، جزء الألف دينار وهو الخامس من الفوائد المنتقاة والأفراد الغرائب الحسان، ج ١، ص ٢٣٨، تحقيق: بدر بن عبد الله البدر، دار النشر: دار النفائس - الكويت، الطبعة: الأولى ١٤١٤هـ - ١٩٩٣م

البته اين محقق در دو جاي ديگر نيز روايت را تصحيح کرده است:

جزء الألف دينار، ج ١، ص ٢٨٨

جزء الألف دينار، ج ١، ص ٤٤١

بغوي نیز روایت را حسن می داند:

هذا حديث حسن.

البغوي، الحسين بن مسعود (متوفى ٥١٦هـ)، شرح السنة، ج ١٤، ص ١٠٠، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - محمد

زهير الشاويش، ناشر: المكتب الإسلامي - دمشق - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

١٠. تصحيح روایت عطيه توسط زيلعي:

زيلعي يكي ديگر از علمای اهل سنت روایت عطيه را حسن می داند:

حديث آخر أخرجه الترمذي عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

أحب الناس إلى الله يوم القيامة وادناهم مجلسا منه امام عادل قال بن القطان في كتابه وعطية العوفي مضعف وقال بن

معين فيه صالح فالحديث به حسن انتهى

الزيلعي، عبدالله بن يوسف ابومحمد الحنفي (متوفى ٧٦٢هـ)، نصب الراية لأحاديث الهداية، ج ٤، ص ٦٨،

تحقيق: محمد يوسف البنوري، ناشر: دار الحديث - مصر - ١٣٥٧هـ.

١١. تصحيح روايات عطيه توسط الباني وهابي:

الباني وهابي نیز چندین روایت او را تصحيح می کند.

روایت اول:

٣٢٤٠ - ٤٠٠١ (صحیح)

حدثنا القاسم بن زكريا بن دينار حدثنا عبد الرحمن بن مصعب ح و حدثنا محمد ابن عبادة الواسطي حدثنا يزيد

بن هارون قالا حدثنا إسرائيل أنبأنا محمد بن جحادة عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله صلى

الله عليه و سلم أفضل الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر (صحیح) ...

صحیح سنن ابن ماجه للالباني ش ٣٢٤٠-٤٠٠١

روایت دوم:

(سنن الترمذي)

٤٧٧ حدثنا زياد بن أيوب البغدادي حدثنا محمد بن ربيعة عن فضيل بن مرزوق عن عطية العوفي عن أبي سعيد

الخدري قال كان نبي الله صلى الله عليه وسلم يصلي الضحى حتى نقول لا يدع ويدعها حتى نقول لا يصلي قال أبو عيسى

هذا حديث حسن غريب .

تحقيق الألباني :

صحيح ، ابن ماجة (١٣٧٩)

صحيح وضعيف سنن الترمذي - (ج ١ / ص ٤٧٧)

(سنن الترمذي)

٣٢٤٣ حدثنا ابن أبي عمر حدثنا سفيان عن مطرف عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري قال قال رسول الله

صلى الله عليه وسلم كيف أنعم وقد التقم صاحب القرن القرن وحنى جبهته وأصغى سمعه ينتظر أن يؤمر أن ينفخ فينفخ

قال المسلمون فكيف نقول يا رسول الله قال قولوا حسبنا الله ونعم الوكيل توكلنا على الله ربنا وربما قال سفيان على الله

توكلنا قال أبو عيسى هذا حديث حسن وقد رواه الأعمش أيضا عن عطية عن أبي سعيد .

تحقيق الألباني :

صحيح ، الصحيحة (١٠٧٨ - ١٠٧٩)

صحيح وضعيف سنن الترمذي، (ج ٧ / ص ٢٤٣)

و روايات دیگر....

بنابراین، عطیه از نظر علمای اهل سنت موثق است؛ به خصوص در جایی که فضائل خلیفه اول و دوم را نقل

کرده باشد؛ چنانچه یک نمونه آن را در بالا مشاهده می‌فرمایید.

البته علمای دیگر نیز روایات عطیه را تصحیح کرده و در باره اعتبار ایشان سخن گفته اند ما به همین مقدار در

اینجا بسنده می‌کنیم؛ زیرا توثیق عطیه یک امر روشنی است.

سیوطی، عالم سرشناس اهل سنت در کتاب الدر المنثور، تعدادی از علمای اهل سنت را نام می‌برد که روایت

ابو سعید را در کتب خود نقل کرده‌اند:

وأخرج البزار وأبو يعلى وابن أبي حاتم وابن مردويه عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: لما نزلت هذه الآية «وأت ذا القربى حقه» دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم فاطمة فأعطاهما فذك.

«بزار، أبو يعلى، ابن أبي حاتم وابن مردويه از طریق أبي سعيد خدري رضي الله عنه اين جريان را روايت نموده‌اند که ابوسعید گفت: وقتی که آیه «وأت ذا القربى حقه» نازل شد، رسول خدا فاطمه را صدا زد و فدک را به وي بخشید.»

السيوطي، عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين (متوفاي ۹۱۱هـ)، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۷۳، ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۳.

روایت دوم از ابن عباس:

شوکانی از طریق ابن عباس روايت کرده که در آن هديه داده شدن فدک از سوي رسول خدا صلي الله عليه وآله به حضرت زهرا (س) تصريح شده است :

وأخرج ابن مردويه عن ابن عباس قال لما نزلت (وأت ذا القربى حقه) **أقطع رسول الله صلى الله عليه وسلم فاطمة فذك.**

«ابن مردويه از ابن عباس روايت نموده که گفت: وقتی که آیه «وأت ذا القربى حقه» نازل شد، رسول خدا فدک را براي فاطمه جدا کرد.»

الشوکاني، محمد بن علي بن محمد (متوفاي ۱۲۵۵هـ)، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير، ج ۳، ص ۲۲۴، ناشر: دار الفكر - بيروت.

روایت سوم از امام صادق عليه السلام:

در منابع شيعه نیز روايات فراوان آمده که رسول خدا صلي الله عليه وآله فدک را به حضرت زهرا سلام الله عليها بخشیده است. از جمله اين روايت طولاني است که امام صادق عليه السلام در قسمتي از آن فرموده است:

... فَلَمَّا دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ يَا بُنَيَّةُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَفَاءَ عَلَيَّ أَبِيكَ بِفَدَكٍ وَ اخْتَصَّهُ بِهَا فَهِيَ لِي خَاصَّةٌ دُونَ الْمُسْلِمِينَ أَفَعَلُ بِهَا مَا أَشَاءُ وَ إِنَّهُ قَدْ كَانَ لِأُمَّكَ خَدِيجَةَ عَلَيَّ أَبِيكَ مَهْرٌ وَ إِنَّ أَبَاكَ قَدْ جَعَلَهَا لَكَ بِذَلِكَ وَ نَحَلْتُكَهَا تَكُونُ

لَكَ وَ لَوْلَاكَ بَعْدَكَ قَالَ فَدَعَا بِأَدِيمِ عُكَاطِيٍّ وَ دَعَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَكْتُبْ لِفَاطِمَةَ بِفَدَكَ نِحْلَةً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ شَهِدَ عَلَيَّ ذَلِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ مَوْلَى لِرَسُولِ اللَّهِ وَ أُمُّ أَيْمَنَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ جَاءَ أَهْلُ فَدَكَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَاطَعَهُمْ عَلَيَّ أَرْبَعَةَ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ..

«... پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از غزوه برگشت، نزد حضرت فاطمه - سلام الله علیها - رفت و فرمود:

دخترم! خدا فدک را به پدرت بخشیده و به او اختصاص داده است. و مسلمانان را در آن سهمی نیست. هر چه می خواهی در باره آن انجام بده. چون من به مادرت خدیجه، مهرش را مقروض بودم. فدک را عوض مهر مادرت به تو می دهم. از آن تو و فرزندان باشد. بعد پوستی را خواست و خطاب به علی - علیه السلام - فرمود: «بنویس: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فدک را به دخترش فاطمه بخشید». علی - علیه السلام -، غلام پیامبر و ام ایمن شاهد این جریان بودند. و پیامبر اکرم در مورد ام ایمن فرمود: «ام ایمن اهل بهشت است». اهل فدک آمدند و با حضرت بر بیست و چهار هزار دینار در سال، صلح کردند. ...»

الراوندي، قطب الدين (متوفای ۵۷۳هـ)، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۱۱۳، تحقیق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي

عليه السلام - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹هـ.

تا اینجا طبق روایت صحیح و روایات دیگر اصل این مطلب که فدک مال خالص پیامبر صلی الله علیه و آله بوده

و آن را به دخترش حضرت زهرا سلام الله علیها هدیه داده است، روشن شد.

فصل دوم: مراحل مطالبه فدک از سوی حضرت زهرا سلام الله علیها

بعد از این که ثابت شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به دخترش هدیه داده، روشن می شود که فدک

مال خالص حضرت زهرا سلام الله علیها بوده و ایشان ذوالید است. و هر کسی دیگری اگر بخواهد تصرفی در آن انجام دهد باید با اجازه ایشان باشد و هیچ کس بدون اجازه ایشان حق گرفتن آن را ندارد.

اما بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابوبکر وقتی به خلافت رسید، وکیل ایشان را از فدک بیرون

کرد و آن را جزء اموال مسلمانان محسوب نمود.

پس از این رویداد، حضرت زهرا سلام الله علیها مطالبات خود را برای استرداد فدک شروع کرد.

نکته‌ی مهم این است که مطالبه‌ی فدک از سوی حضرت زهرا سلام الله علیها در چند مرحله و با عناوین مختلف و مکرر صورت گرفته است.

روایات این موضوع را دسته بندی شده، مرور می‌کنیم:

۱: مطالبه فدک به صورت حضوری (به عنوان هدیه بودن فدک)

در مرحله نخست، حضرت زهرا سلام الله علیها فدک را به عنوان هدیه و بخشش پدر به ایشان از حاکم وقت مطالبه نمود؛ اما او برای اثبات مدعای حضرت، خواست شهادتش را احضار نماید. ایشان نیز امیرمؤمنان علیه السلام، ام ایمن، و رباح غلام رسول خدا صلی الله علیه وآله و طبق برخی روایات، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را برای شهادت نزد وی آورد که متأسفانه به بهانه‌های مختلفی رد شدند.

در این قسمت روایات شیعه و اهل سنت را ذکر می‌نماییم:

روایت اول از امام صادق علیه السلام:

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش ذیل آیه «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» این روایت را آورده

است:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى وَ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا بُويعَ لِأَبِي بَكْرٍ وَ اسْتَقَامَ لَهُ الْأَمْرُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ بَعَثَ إِلَيَّ فِدَكَ فَاخْرَجَ وَ كَيْلَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهَا - فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَيَّ أَبِي بَكْرٍ، فَقَالَتْ يَا أَبَا بَكْرٍ مَنَعْتَنِي عَنْ مِيرَاثِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَخْرَجْتَ وَ كَيْلِي مِنْ فِدَكَ فَقَدْ جَعَلَهَا لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِ اللَّهِ، فَقَالَ لَهَا هَاتِي عَلَيَّ ذَلِكَ شُهوداً - فَجَاءَتْ بِأُمَّ أَيْمَنَ فَقَالَتْ لَا أَشْهَدُ - حَتَّىٰ أَحْتَجَّ يَا أَبَا بَكْرٍ عَلَيْكَ بِمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ أَنْشُدُكَ اللَّهَ، أَلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالَ بَلَى، قَالَتْ فَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» فَجَعَلَ فِدَكَ لِفَاطِمَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ - وَ جَاءَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَهِدَ بِمِثْلِ ذَلِكَ - فَكَتَبَ لَهَا كِتَاباً بِفِدَكَ وَ دَفَعَهُ إِلَيْهَا - فَدَخَلَ عُمَرُ فَقَالَ مَا هَذَا الْكِتَابُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ فَاطِمَةَ ادَّعَتْ فِي فِدَكَ وَ شَهِدَتْ لَهَا أُمَّ أَيْمَنَ وَ عَلِيٌّ فَكَتَبْتُ لَهَا بِفِدَكَ، فَأَخَذَ عُمَرُ الْكِتَابَ مِنْ فَاطِمَةَ فَمَرَّقَهُ وَ قَالَ هَذَا فِيءُ الْمُسْلِمِينَ...

«امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که با ابو بکر بیعت شد و خلافت (با زور) تثبیت گردید، سراغ فدک فرستاد و نماینده (کارگر) فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله را از آنجا بیرون کرد. فاطمه سلام الله علیها نزد ابوبکر آمد و فرمود: ای ابو بکر! مرا از میراث رسول خدا صلی الله علیه وآله محروم کردی و نماینده ام را از فدک بیرون کردی در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه وآله به دستور خداوند آن را برای من قرار داده بود. ابو بکر گفت: برای اثبات این مطلب برایم شاهد بیاورید. حضرت زهرا سلام الله علیها ام ایمن را آورد. او به ابو بکر گفت: من شهادت نمی‌دهم تا این که به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله بر تو احتجاج کنم.

ام ایمن گفت: تو را به خدا قسم می‌دهم آیا از رسول خدا شنیدی که فرمود: ام ایمن از اهل بهشت است؟ ابو بکر گفت: بله، شنیدم. ام ایمن گفت: شهادت می‌دهم که خدا به رسولش وحی فرمود: «به ذوی القربا حقشان را بده» آنگاه فدک را به دستور خدا برای فاطمه، فدک قرار داد و علی علیه السلام آمد همانند ام ایمن شهادت داد. ابوبکر برای زهرا سلام الله علیها نامه رد فدک را نوشت به آن حضرت داد. عمر وارد شد و گفت: این نامه چیست؟ ابو بکر گفت: فاطمه در مورد فدک ادعا کرد و ام ایمن و علی علیه السلام شهادت دادند من هم این نامه را نوشتم. عمر نامه را از فاطمه سلام الله علیها گرفت و نابود کرد و گفت: این مال مسلمانان است. ...»

القمی، **أبي الحسن علي بن ابراهيم (متوفى ۳۱۰هـ) تفسير القمي**، ج ۲، ص ۱۵۶، تحقیق: تصحیح وتعلیق
وتقديم: السيد طيب الموسوي الجزائري، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

روایت دوم از مالک بن جعونه:

بلاذری نیز آورده است که حضرت زهرا سلام الله علیها فدک را به عنوان هدیه پدر از ابوبکر مطالبه نمود:

وَحَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ الْمُكْتَبِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْفَضِيلُ بْنُ عَيَّاضٍ، عَنْ مَالِكِ بْنِ جَعُونَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَتْ فَاطِمَةُ لِأَبِي بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَعَلَ لِي فَدَكَ، فَأَعْطَنِي إِيَّاهُ، وَشَهِدَ لَهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَسَأَلَهَا شَاهِدًا آخَرَ، فَشَهِدَتْ لَهَا أُمُّ أَيْمَنَ، فَقَالَ: قَدْ عَلِمْتَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ لَا تَجُوزُ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ أَوْ رَجُلٍ وَامْرَأَتَيْنِ، فَأَنْصَرَفَتْ.

«مالک بن جعونه از پدرش نقل کرده که وی گفته است: فاطمه به ابوبکر گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فدک را برای من قرار داد پس آن را به من برگردان و علی بن ابی طالب برای حضرت زهرا شهادت داد. ابوبکر شاهد

دیگری خواست، ام ایمن شهادت داد. ابوبکر گفت: ای دختر رسول خدا می‌دانی که قبول نمی‌شود مگر شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن. حضرت زهرا با شنیدن این سخن از نزد او برگشت.»

البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (متوفای ۲۷۹هـ)، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴۴، تحقیق: رضوان محمد رضوان،

ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۳هـ

روایت سوم از جعفر بن محمد:

بلاذری روایت دیگری را نیز این‌گونه نقل کرده است:

وَحَدَّثَنِي رَوْحُ الْكَرَابِيسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْحُبَابِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا خَالِدُ بْنُ طَهْمَانَ، عَنْ رَجُلٍ حَسِبَهُ رَوْحُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، أَنَّ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ لِأَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أُعْطِنِي فَدَكَ، فَقَدْ جَعَلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي، فَسَأَلَهَا الْبَيْتَةَ، فَجَاءَتْ بِأَمِّ أَيْمَنَ، وَرَبَاحٍ مَوْلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَشَهِدَا لَهَا بِذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا تَجُوزُ فِيهِ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلٍ وَامْرَأَتَيْنِ.

«جعفر بن محمد گفته است: فاطمه به ابو بکر صدیق رضی الله عنه گفت: فدک را به من باز گردان زیرا رسول

خدا آن را به من بخشیده است، ابوبکر از ایشان شاهد خواست. فاطمه ام ایمن و رباح غلام پیامبر را آوردند و آنها بر

این اعطای فدک شهادت دادند. آنگاه ابوبکر گفت: شهادت قبول نمی‌شود جز این که شاهد یک مرد و دو زن باشد.»

البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (متوفای ۲۷۹هـ)، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴۴، تحقیق: رضوان محمد رضوان،

ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۳هـ

روایت چهارم از ابی بکر بن عمرو:

طبری روایت دیگر را از طریق ابی بکر بن عمرو نقل کرده است:

وعن عبد الله بن أبي بكر بن عمرو بن حزم عن أبيه قال جاءت فاطمة إلى أبي بكر فقالت اعطني فدك فإن رسول

الله صلى الله عليه وسلم وهبها لي قال صدقت يا بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم ولكني رأيت رسول الله صلى الله

عليه وسلم يقسمها فيعطي الفقراء والمساكين وابن السبيل بعد ان يعطيكم منها.

«فاطمه نزد ابوبکر آمد و فرمود: فدك را به من بده زیرا رسول خدا صلي الله عليه وآله آن را به من بخشیده است. ابو بکر گفت: اي دختر رسول خدا صلي الله عليه وسلم راست گفتي اما من دیدم که رسول خدا صلي الله عليه وآله آن را میان فقرا، مساکين و در راه مانده ها تقسیم کرد بعد از این که سهم شما را می داد.»

الطبري، ابوجعفر محب الدين أحمد بن عبد الله بن محمد (متوفای ۶۹۴هـ)، الرياض النضرة في مناقب العشرة، ج ۲، ص ۱۲۶، تحقیق: عیسی عبد الله محمد مانع الحمیري، ناشر: دار الغرب الإسلامي - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۶م.

روایت پنجم از موسی بن عقبه:

بلاذري روایت دیگر را از موسی بن عقبه نقل کرده است:

الْمَدَائِنِيُّ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ خَالِدٍ مَوْلَى خُرَاعَةَ ، عَنْ مُوسَى بْنِ عُقْبَةَ ، قَالَ : دَخَلْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ حِينَ بُوِيعَ . فَقَالَتْ : إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ وَرَبَاخًا يَشْهَدَانِ لِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْطَانِي فَدَكًا . فَقَالَ : وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَبِيكَ ، لَوَدِدْتُ أَنَّ الْقِيَامَةَ قَامَتْ يَوْمَ مَاتَ ، وَلَأَنْ تَفْتَقِرَ عَائِشَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَفْتَقِرِي ، أَفْتَرَيْتَنِي أُعْطِيَ الْأَسْوَدَ وَالْأَحْمَرَ حُقُوقَهُمْ وَأَظْلَمَكَ وَأَنْتِ ابْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، إِنَّ هَذَا الْمَالَ إِنَّمَا كَانَ لِلْمُسْلِمِينَ ، فَحَمَلَ مِنْهُ أَبُوكَ الرَّجُلَ وَيُنْفِقُهُ فِي السَّبِيلِ ، فَأَنَا إِلَيْهِ بِمَا وَلِيَهُ أَبُوكَ ، قَالَتْ : وَاللَّهِ لَا أَكَلَّمُكَ قَالَ : وَاللَّهِ لَا أَهْجُرُكَ . قَالَتْ : وَاللَّهِ لَأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ . قَالَ : لَأَدْعُونَ اللَّهَ لَكَ .

«موسی بن عقبه می گوید: حضرت فاطمه [سلام الله علیها] هنگام بیعت بر ابو بکر وارد شد و به او فرمود: ام ایمن و رباح برای من شهادت می دهند که رسول خدا صلي الله عليه وآله فدك را به من بخشیده است. ابوبکر گفت: به خدا سوگند خداوند جز پدرت محبوب تر در نزد من کسی را نیافریده است، دوست داشتم که روز رحلت او قیامت بر پا می شد. اگر عایشه محتاج و فقیر شود، نزد من محبوب تر از این است که تو فقیر شوی.

آیا شما عقیده دارید که من به مردمان سیاه و سرخ پوست عطا می کنم اما در حق شما ظلم می کنم؟ در حالی که شما دختر رسول خدا صلي الله عليه وآله هستی. این مال، برای مسلمین است پدرت از آن به سواران در راه خدا انفاق می کرد. (یعنی رسول خدا از این مال برای مردان جنگی در حال جنگ انفاق می کرد) من نیز همان کاری انجام

می‌دهم که پدرت انجام می‌داد. فاطمه فرمود: به خدا سوگند هرگز با تو سخن نمی‌گویم. ابو بکر گفت: به خدا سوگند با تو قهر نمی‌کنم. فاطمه فرمود: به خدا سوگند تو را نفرین نمی‌کنم. ابو بکر گفت: من برای شما دعا می‌کنم.»

البلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (متوفای ۲۷۹هـ)، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۳۱۶، طبق برنامه الجامع الكبير.

روایت ششم: هشام بن محمد :

جوهری از علمای قرن چهارم نیز نقل کرده است که حضرت زهرا سلام الله علیها نزد ابو بکر آمد، استرداد

فدک را به عنوان هدیه پدر مطرح کردند:

وروی هشام بن محمد، عن أبيه قال: قالت فاطمة، لأبي بكر: إن أم أيمن تشهد لي أن رسول الله (صلى الله عليه

وآله)، أعطاني فدك، فقال لها: يا ابنة رسول الله، والله ما خلق الله خلقا أحب إلي من رسول الله (صلى الله عليه وآله)

أبيك، ولوددت أن السماء وقعت على الأرض يوم مات أبوك، والله لأن تفتقر عائشة أحب إلي من أن تفتقري، أتراني أعطي

الأحمر والأبيض حقه وأظلمك حقه، وأنت بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، إن هذا المال لم يكن للنبي (صلى

الله عليه وآله وسلم)، وإنما كان مالا من أموال المسلمين يحمل النبي به الرجال، وينفقه في سبيل الله، فلما توفي رسول

الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وليته كما كان يليه، قالت: والله لا كلمتك أبدا، قال: والله لا هجرتك أبدا، قالت: والله

لأدعون الله عليك، قال: والله لأدعون الله لك، فلما حضرته الوفاة أوصت ألا يصلي عليها، فدفنت ليلا، وصلى عليها عباس

بن عبد المطلب، وكان بين وفاتها ووفاة أبيها اثنتان وسبعون ليلة .

«فاطمه به ابو بکر گفت: ام ایمن برای من شهادت می‌دهد که رسول خدا صلی الله علیه وآله فدک را به من

بخشیده است. ابو بکر گفت: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله به خدا سوگند، به نظر من خداوند هیچ مخلوقی

را محبوب تر از رسول خدا نیافریده است، دوست داشتم که روز وفات پدرت آسمان به زمین فرود می‌آمد. به خدا

سوگند، اگر عایشه فقیر شود نزد من محبوبتر از این است که شما فقیر باشید. به خدا سوگند آیا شما عقیده دارید که

من به با طلای سرخ و نقره سفید حق او را عطا می‌کنم اما در حق شما ظلم می‌کنم؟ در حالی که شما دختر رسول خدا

صلی الله علیه وآله هستید. این اموال (فدک) از آن رسول خدا صلی الله علیه وآله نبود بلکه جزئی از اموال مسلمین

است که مردم برای او می‌آوردند و رسول خدا آن را در راه خدا انفاق می‌کرد. هنگامی که وفات یافت من متولی آن

شدم همانگونه که ایشان متولی آن بود.

فاطمه فرمود: به خدا سوگند هرگز با تو سخن نمی‌گویم. ابو بکر گفت: هرگز با شما قهر نمی‌شوم. فاطمه فرمود: به خدا سوگند تو را نفرین می‌کنم. ابو بکر گفت: به خدا سوگند برای تو دعا می‌کنم. هنگامی که زمان وفاتش فرار رسید وصیت نمود که ابو بکر بر او نماز نخواند؛ پس شبانه دفن شد و عباس بن عبد المطلب بر او نماز خواند. میان وفات رسول خدا و وفات فاطمه ۷۲ شب فاصله بود.»

الجوهري، أبي بكر أحمد بن عبد العزيز (متوفى ۳۲۳هـ)، السقيفة وفدك، ص ۱۰۴، تحقيق: تقديم وجمع وتحقيق: الدكتور الشيخ محمد هادي الأميني، ناشر: شركة الكتبي للطباعة والنشر - بيروت - لبنان، الطبعة الأولى ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۰م / الطبعة الثانية ۱۴۱۳ هـ . ۱۹۹۳م

ب: مطالبه فدك به صورت حضوري (با ادعای میراث)

بعد از این که مطالبات حضرت زهرا سلام الله عليها از طریق هدیه بودن و بخشش فدك مورد قبول حاکم سقیفه قرار نگرفت ، دختر پیامبر روش مطالبه را تغییر داد. سید بن طاووس در این باره می‌نویسد:

ومن طريف ما تجدد لفاطمة عليها السلام منهم أنها لما رأت تكذيبهم لها وشكهم فيها وفي شهودها بأن أباها وهبها ذلك في حياته أرسلت إلى أبي بكر ورووا أنها حضرت بنفسها تطلب فدكا بطريق ميراث أبيها، ورووا أنها حضرت بنفسها تطلب فدكا بطريق ميراث أبيها، لأن المسلمين لا يختلفون في أن فدكا كانت لأبيها محمد (صلي الله عليه وآله) فمنعها أيضا أبو بكر من ميراثها وهان عليه ظلمها وتكذيبها.

«از نکات جالب این است که فاطمه سلام الله عليها شیوه وروش خود را تغییر داد و راه دیگری در پیش گرفت و از آنجایی که آنها، فاطمه سلام الله عليها را تکذیب می‌کردند و در گواهان او نیز تردید می‌نمودند و در نهایت بخشیده شدن فدك را نمی‌پذیرفتند فاطمه کسی را نزد ابوبکر فرستاد. و روایت کرده اند که خودش در این که فدك مال پیامبر صلي الله عليه وآله بود، هیچ اختلافی نداشتند، اما ابوبکر ایشان را از میراث پدر محروم کرد و ظلم و تکذیب ایشان را کار عادی جلوه داد.»

ابن طاووس الحلي، ابي القاسم علي بن موسي (متوفى ۶۶۴هـ)، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ص

۲۵۷، چاپخانه: الخيام - قم، چاپ: الأولى ۱۳۹۹

در منابع اهل سنت، روایات مطالبه حضرت زهرا سلام علیها با این روش با اسناد صحیح گزارش شده که به صورت مکرر انجام شده است.

مرتبہ اول: مطالبہ فدک بہ ہمراہ علی (علیہ السلام) در فردای رحلت پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ

ابن سعد در الطبقات الکبری می نویسد:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، أَخْبَرَنَا هِشَامُ بْنُ سَعْدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ عُمَرَ، يَقُولُ: لَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُويعَ لِأَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ مَعَهَا عَلِيٌّ، فَقَالَتْ: مِيرَاثِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ أَبِي! فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَمِنَ الرَّثَّةُ أَوْ مِنَ الْعِقْدِ؟ قَالَتْ: فَذَكَ وَخَيْبِرُ وَصَدَقَاتُهُ بِالْمَدِينَةِ أَرْتُهَا كَمَا يَرْتُكَ بَنَاتُكَ إِذَا مِتَّ!، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَبُوكَ وَاللَّهِ خَيْرٌ مِنِّي، وَأَنْتِ وَاللَّهِ خَيْرٌ مِنْ بَنَاتِي، وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " لَا نُورُتُ، مَا تَرَكَتْنَا صَدَقَةً ". يَعْنِي هَذِهِ الْأَمْوَالَ الْقَائِمَةَ، فَتَعَلَّمِينَ أَنَّ أَبَاكَ أَعْطَاكِهَا، فَوَاللَّهِ لَئِنْ قُلْتِ نَعَمْ لِأَقْبَلَنَّ قَوْلَكَ وَلَأُصَدِّقَنَّكَ! قَالَتْ: جَاءَتْنِي أُمُّ أَيْمَنَ فَأَخْبَرْتَنِي أَنَّهُ أَعْطَانِي فَذَكَ، قَالَ: فَسَمِعْتِهِ، يَقُولُ هِيَ لَكَ؟ فَإِذَا قُلْتِ قَدْ سَمِعْتُهُ فَهِيَ لَكَ، فَأَنَا أُصَدِّقُكَ، وَأَقْبَلُ قَوْلَكَ، قَالَتْ: قَدْ أَخْبَرْتُكَ مَا عِنْدِي.

«زید بن اسلم از پدرش نقل کرده که عمر می گفت: روزی که پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ از دنیا رفت، در این روز با ابوبکر بیعت شد، فردای آن روز، حضرت زهرا همراه امیر مؤمنان [علیہما السلام] پیش ابو بکر آمدند. آن حضرت فرمود: میراث پدرم رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ را می خواهم. ابو بکر گفت: از ارث پدری یا از عقد (یعنی چیزهایی را که از پیامبر خریدی یا به تو داده است). حضرت زهرا فرمود: فدک، خیبر و صدقات ایشان را در مدینه من ارث می برم؛ همانگونه که وقتی می خواهی بمیری، دختران تو از تو ارث می برند. ابو بکر گفت: به خدا سوگند پدرت بهتر از من است و تو بهتر از دختران من هستی و رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: ما پیامبران چیزی به ارث نمی گذاریم آنچه را می گذاریم صدقه است، یعنی همین اموال موجود.»

البصری الزہری، محمد بن سعد بن منیع أبو عبداللہ (متوفای ۲۳۰ هـ)، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۱۵، دار

النشر: دار صادر - بیروت، طبق برنامه الجامع الکبیر

این روایت طبق برنامه «جوامع الکلم» که توسط اهل سنت تهیه شده، صحیح است و در باره حکم این روایت

می نویسد:

الحکم علی المتن: صحیح لغيره.

نکته‌ي مورد توجه در این روایت:

ظاهر عبارت «فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ مَعَهَا عَلِيٌّ» می‌رساند که یک روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله، حضرت زهرا سلام الله علیه و امیرمؤمنان برای مطالبه فدک نزد ابوبکر رفتند. اما کلمه «غد» را نمی‌شود به فرادی رحلت آن حضرت حمل کرد؛ زیرا فرادی رحلت، هنوز بدن مطهر رسول خدا صلی الله علیه وآله دفن نشده بود، پس چگونه این دو بزرگوار می‌توانستند بدن حضرت را رها کرده و به دنبال میراث و مال دنیا باشند.

علاوه بر آن، فرادی رحلت و به محض این که عده‌ی با ابوبکر بیعت کردند، فدک تصاحب نشد و هنوز خلافت ابو بکر پا برجا نشده بود و بیعت گرفتن تکمیل نگردیده بود تا در نتیجه ایشان بیایند فدک را مطالبه کنند. بنابراین، گوینده‌ی خبر (یعنی عمر) می‌خواسته است اهل بیت پیامبر را نیز در امر دنیا طلبی با خود همراه سازد و گرنه از دختر پیامبر بعید است که بدن پدر را رها کرده و به دنبال دعوی میراث باشد؛ چنانچه خلفا بدن پیامبر را رها کرده و به سقیفه رفتند.

ابن ابی الحدید یکی از علمای معتزله تصریح می‌کند که حضور فاطمه سلام الله علیها برای مطالبه فدک در نزد ابو بکر، ده روز بعد از رحلت پیامبر بوده است:

وحدیث فدک و حضور فاطمة عند أبي بكر كان بعد عشرة أيام من وفاة رسول الله صلي الله عليه وسلم.

«حدیث فدک و حضور فاطمه در نزد ابوبکر، پس از ده روز از درگذشت رسول خدا صلی الله علیه وسلم بوده

است.»

إبن أبي الحدید المدائنی المعتزلی، ابو حامد عز الدین بن هبة الله بن محمد بن محمد (متوفای ۶۵۵ هـ)، شرح

نهج البلاغة، ج ۱۶، ص ۱۵۶، تحقیق: محمد عبد الکریم النمري، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى،

۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م.

مرتبہ دوم: مطالبہ فدک به تنہایی

در روایت صحیح بخاری به نقل از عایشه آمده است که حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها بعد از وفات

رسول خدا صلی الله علیه وآله نزد ابوبکر برای مطالبہ ارث پیامبر آمد:

۲۹۲۶ حدثنا عبد العزیز بن عبد اللہ حدثنا إبراهیم بن سعد بن صالح عن بن شہاب قال أخبرني عروة بن الزبير

أن عائشة أم المؤمنين رضي الله عنها أخبرته أن فاطمة عليها السلام ابنة رسول الله صلى الله عليه وسلم سألت أبا

بكر الصديق بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يقسم لها ميراثها ما ترك رسول الله صلى الله عليه وسلم مما

أفاء الله عليه فقال أبو بكر إن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا تورث ما تركنا صدقة فغضبت فاطمة بنت رسول الله

صلى الله عليه وسلم فهجرت أبا بكر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت وعاشت بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم سنة أشهر

قالت وكانت فاطمة تسأل أبا بكر نصيبها مما ترك رسول الله صلى الله عليه وسلم من خيبر وفدك وصدقته بالمدينة فأبى

أبو بكر عليها ذلك.

«عروة بن زبیر گفته است که عایشه به او خبر داد فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد

از وفات رسول خدا از ابوبکر درخواست نمود ه میراث ایشان را از ماترک رسول خدا صلی الله علیه وسلم تقسیم نماید.

ابوبکر گفت: رسول خدا فرموده: ما پیامبران چیزی را به ارث نمی‌گذاریم آن چه را می‌گذاریم صدقه است. پس از آن،

فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه وسلم خشمگین شد، و با ابوبکر قهر گردید این قهر ادامه یافت تا از دنیا رفت.

فاطمه بعد از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شش ماه زندگی کرد. راوی می‌گوید: فاطمه پیوسته از ابوبکر حقش را

از ماترک رسول خدا صلی الله علیه وآله از خیبر، فدک و صدقات ایشان در مدینه درخواست می‌کرد اما ابوبکر درخواست

ایشان را قبول نمی‌کرد.»

البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۱۲۶، تحقیق: د.

مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

نکات مورد توجه در روایات:

نکته اول: در این روایات مطالبه فدک تنها با عنوان ادعای میراث پدری مطرح شده است.

نکته دوم: موارد مورد مطالبه، فدک و خمس خیبر و سهم ایشان از ماترک پدر بوده است.

نکته سوم: کلمه «هَجْرَت» در این روایت به معنای قهر شدن است به گونه‌ای که رابطه با او ناخوشایند باشد؛

چنانکه شارح بخاری در باره این کلمه می‌نویسد:

معنى الهجرة هو ترك الرجل كلام أخيه مع تلاقيهما واجتماعهما وإعراض كل واحد منهما عن صاحبه مصارمة له

وتركه السلام عليه.

«معنای هجرت، ترك سخن گفتن شخصی با برادرش است به گونه‌ای که اگر همدیگر را ملاقات کنند و در يك

جا هم جمع شوند، از همدیگر اعراض داشته باشد و سلام کردن بر یکدیگر را ترك کنند.»

این بطل البكري القرطبي، ابوالحسن علي بن خلف بن عبد الملك (متوفای ۴۴۹هـ)، شرح صحیح البخاری، ج

۹، ص ۲۷۰، تحقیق: ابوتمیم یاسر بن ابراهیم، ناشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۳هـ -

۲۰۰۳م.

بنابراین، هجران و قهر حضرت زهرا سلام الله علیها با ابوبکر، در پایان مطالبات به صورت غیر حضوری و

حضوری بوده است و گرنه روایاتی که مطالبات مکرر آن حضرت را بیان می‌کند، معنایی ندارد.

در روایت دیگر احمد بن حنبل نیز از ابو هریره نقل کرده است:

۸۶۲۱ حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الوهاب الخفاف ثنا محمد بن عمرو عن أبي سلمة عن أبي هريرة ان فاطمة

جاءت أبا بكرٍ وعُمَرَ تَطْلُبُ مِيرَاثَهَا من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقَالَ لها سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم

يقول اني لا أُورثُ.

«ابو هریره می‌گوید: فاطمه [سلام الله علیها] نزد ابوبکر و عمر آمد و میراث خود را از رسول خدا صلی الله علیه

وسلم درخواست نمود. آن دو گفتند: ما از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدیم که می‌فرمود: من چیزی به ارث

نمی‌گذارم.»

الشیبانی، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۵۳، ناشر: مؤسسة

قرطبة - مصر.

مرتبہ سوم : مطالبہ فدک به همراه عباس بن عبد المطلب

در روایت دیگر صحیح بخاری گزارش شده است که حضرت زهرا سلام الله علیها يك بار دیگر به همراه عباس عموي پیامبر نزد ابوبکر برای مطالبه حقوق شان آمدند.

۶۳۶۶ حدثنا عبد الله بن مُحَمَّدٍ حدثنا هِشَامٌ أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنِ عُرْوَةَ عَنِ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ

وَالْعَبَّاسَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ أَتَيَا أَبَا بَكْرٍ يَلْتَمِسَانِ مِيرَاتِهِمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُمَا جِيئِيذٍ يَطْلُبَانِ أَرْضَيْهِمَا مِنْ

فَدَكٍ وَسَهْمَهُمَا مِنْ خَيْبَرَ فَقَالَ لَهُمَا أَبُو بَكْرٍ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا نُورَثُ مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً إِنَّمَا يَأْكُلُ

آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذَا الْمَالِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَاللَّهِ لَا أَدْعُ أَمْرًا رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُهُ فِيهِ إِلَّا صَنَعْتُهُ قَالَ فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى مَاتَتْ.

«عایشه می‌گوید: فاطمه و عباس علیهما السلام نزد ابوبکر آمدند و هر دو میراث شان از رسول خدا را طلب

کردند. و نیز آنها زمین های فدک و سهم شان را از خیبر می‌خواستند. ابو بکر به آنها گفت: از رسول خدا صلی الله علیه

وسلم شنیدم که می‌گفت: ما پیامبران چیزی به ارث نمی‌گذاریم، آنچه را گذاشتم صدقه است. آل پیامبر از این مال

استفاده می‌کنند، ابو بکر گفت: به خدا سوگند من امري را دیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم انجام می‌داد، رها

نمی‌کنم و همان را انجام می‌دهم. راوي می‌گوید: فاطمه با وي قهر شد و با سخني نگفت تا این که از دنیا رفت.»

صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۴۷۴

همراهی امیرمومنان با حضرت زهرا سلام الله علیهما و عباس عموي پیامبر در این مرتبه:

در روایت دیگری که آن را ابن سعد نقل کرده، حضرت زهرا سلام الله علیها به همراه امیرمؤمنان علیه السلام

و ابن عباس پیش ابو بکر آمدند:

اخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ سَعْدٍ، عَنِ عَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْبُدٍ، عَنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: جَاءَتْ فَاطِمَةُ إِلَى

أَبِي بَكْرٍ تَطْلُبُ مِيرَاتَهَا وَجَاءَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ يَطْلُبُ مِيرَاتَهُ وَجَاءَ مَعَهُمَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: "لَا نُورَثُ،

مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً"، وَمَا كَانَ النَّبِيُّ يَعُولُ فَعَلِيٌّ، فَقَالَ عَلِيُّ: وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ، وَقَالَ زَكَرِيَّا: يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، قَالَ

أَبُو بَكْرٍ: هُوَ هَكَذَا وَأَنْتَ وَاللَّهِ تَعْلَمُ مِثْلَمَا أَعْلَمُ، فَقَالَ عَلِيُّ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ يَنْطِقُ! فَسَكُّتُوا وَأَنْصَرَفُوا.

«فاطمه [سلام الله عليها] نزد ابو بکر آمد و میراث خود را از ابو بکر می‌خواست. عباس بن عبد المطلب آمد و میراث خود را می‌خواست و علی [علیه السلام] همراه آنها آمد. ابو بکر گفت: رسول خدا فرموده است: ما ارثی بر جای نمی‌گذاریم، آنچه را می‌گذاریم صدقه است. و آنچه را پیامبر به آن عمل (اعتماد) می‌کرد من هم به آن عمل می‌کنم. علی [علیه السلام] فرمود: سلمان از داود ارث برد. و ذکرها فرمود: [جانشني به من عنایت فرما] که از من و آل یعقوب ارث ببرد. ابو بکر گفت: زکریا چنین بود و تو به خدا سوگند می‌دانی همانند آنچه را من می‌دانم. علی [علیه السلام] فرمود: این کتاب خداست که سخن می‌گوید. پس از ساکت شدند و برگشتند.»

البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفاي ۲۳۰ هـ)، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۱۵، دار

النشر : دار صادر - بيروت ، طبق برنامه الجامع الكبير

ج: مطالبه فدک به صورت غیر حضوري (با عنوان ادعای میراث):

مطالبه فدک از سوي حضرت زهرا سلام الله عليها به عنوان میراث و به صورت غیر حضوري نیز در منابع اهل سنت گزارش شده است. بخاري روايات متعددي را در این باره نقل کرده است:

۳۹۹۸ حدثنا يحيى بن بكيرٍ حدثنا الليثُ عن عُقَيْلٍ عن بن شَهَابٍ عن عُرْوَةَ عن عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرْسِلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا نُورَثُ مَا تَرَكْنَا صَدَقَةً إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي هَذَا الْمَالِ وَإِنِّي وَاللَّهِ لَا أَعْتَرُ شَيْئًا مِنْ صَدَقَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ خَالِهَا الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهَا فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَلْعَمَلْنَ فِيهَا بِمَا عَمِلَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ.

«عایشه می‌گوید: فاطمه سلام الله عليها دختر پیامبر صلي الله عليه واله وسلم کسی را نزد ابو بکر فرستاد تا از میراث پدری از آنچه که خداوند برای ایشان عنایت فرموده و از فدک و باقیمانده خمس خیبر، سؤال کند. ابو بکر گفت: رسول خدا صلي الله عليه واله فرموده است: ما پیامبران چیزی به ارث نمی‌گذاریم، آنچه را گذاشته ایم، صدقه است. آل پیامبر از همین مال استفاده می‌کنند. و من به خدا سوگند چیزی از صدقه رسول خدا صلي الله عليه وآله را

از همان حالی که در زمان ایشان عمل می‌شد، تغییر نمی‌دهیم و همانگونه عمل می‌کنم که رسول خدا عمل کرده بود.

در نتیجه ابوبکر چیزی از آن‌ها را به فاطمه نداد، فاطمه با او قهر کرد و تا زمانی که از دنیا رفت با او سخن نگفت.»

البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن إسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۴۹، تحقیق: د.

مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

در این روایت عبارت «أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ» صریح در این است که مطالبه ایشان به صورت غیر حضوری

بوده است.

بخاری در روایت دیگر نیز همین تعبیر را نقل کرده است:

حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ - عَلَيْهَا السَّلَامُ -

أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِيمَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -

، تَطْلُبُ صَدَقَةَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الَّتِي بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ.

«...عائشه می‌گوید: فاطمه علیها السلام شخصی را نزد ابوبکر فرستاد تا میراث پیامبر را از فیء و صدقات

مدینه و فدک و آنچه که از خمس خیبر باقی مانده بود مطالبه نماید.»

صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۳۶۰، ح ۳۵۰۸، کتاب فضائل الصحابة، باب مناقب قرابة رسول الله (ص) وَمَنْقَبَةِ

فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ،

د. مطالبه و درخواست از عموم مردم، برای احقاق حق

طبق روایات شیعه و سنی، حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از این مراحل، در مسجد رسول خدا (ص) خطبه

فدکیه را خوانده و برای پس گرفتن این حق پامال شده خویش از عموم اصحاب رسول خدا (ص) و به خصوص انصار

کمک خواستند.

حضرت زهرا سلام الله علیها پس از محکومیت ابوبکر بر اساس قرآن کریم، و پس از این که به عمق مصیبت

رحلت پیامبر اشاره کرد، رو به انصار فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَالسِّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ

صلي الله عليه وآله أَبِي يَقُولُ الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ سِرْعَانَ مَا أَحَدْتُمْ وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ وَقُوَّةٌ عَلَيَّ مَا

أَطْلُبُ وَأَزْأُولُ أَمْ تَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ ص فَخَطَبُ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ وَاسْتَنْهَرَ فُتْقُهُ وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ وَأُظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ وَكَسَفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَانْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ وَأَكْذَبَتِ الْأَمَالُ وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ وَأُضِيعَ الْحَرِيمُ وَأُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ تَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَفِي مُمَسَاكُمُ وَمُضْبِحِكُمْ يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَصَرَاحًا وَتِلَاوَةً وَإِلْحَانًا وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ حُكْمٌ فَضْلٌ وَقَضَاءٌ حَثْمٌ - وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ.

ای گروه بزرگان و ای بازوان توانای ملت، و ای نگهداران دین، این چه رفتار سست و سبکی است که ظالمانه در حق من روا داشته‌اید؟ مگر پدرم؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله نفرموده بود:

«مراعات هر شخصی در احترام به فرزندان اوست»؟ چه با شتاب خلاف آن عمل کردید، هر چند این امر قابل پیش‌بینی بود، با اینکه شما برای احقاق حقوق من قادر و توانائید، پنداشته‌اید که رسول خدا از میان رفت و ما را گشتیم؟ آه که فوت او چه حادثه بزرگ و پیش‌آمد عظیمی بود، شکافی وسیع پدید نمود و همه چیز را بهم ریخت و از فقد او زمین تیره شد و خورشید و ماه گرفت، و تمام ستارگان از هم پاشیدند، و کشتی آرزو به گل نشست، و کوهها خاشع شدند، و در پی وفات او حریمها زیر پا گذارده شد و حرمتها ریخت، و بخدا سوگند که این فاجعه‌ای عظیم و پیش‌آمده بزرگ و بی‌مانند بود.

آری این قضاء حتمی و حکم قطعی خداوند بود که در قرآن از طریق وحی به پیامبر - همچون دیگر انبیا - به چندین طریق شما را از فاجعه خبر داده بود که: «و محمد فقط رسولی است همچون دیگر رسولان، اگر بمیرد یا کشته شود از راه حق منحرف شده و به پشت سر خودتان برمی‌گردید [این را بدانید] و هر که رو به قهقری بر گردد ضرری به خداوند نخواهد داشت، و خداوند آن کسانی را که به نعمتها و الطاف الهی متوجه باشند؛ پاداشی نیکو می‌دهد».

إِيهَاءَ بَنِي قَيْلَةَ أَمْ أَهْضَمَ ثُرَاثُ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَمَسْمَعٍ وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَةُ وَتَشْمَلُكُمُ الْخَبْرَةُ وَأَنْتُمْ دَوُّو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجَنَّةُ تُوَافِيكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ وَتَأْتِيكُمُ الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِيبُونَ وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ وَالنُّخْبَةَ الَّتِي انْتُخِبْتُ الَّتِي اخْتِيرْتُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ...

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مَيِّ بِالْجِدَالَةِ الَّتِي خَامَرْتُكُمْ وَالْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ وَلَكِنَّهَا فَيْضَةُ
النَّفْسِ وَنَفْثَةُ الْعَيْظِ وَخَوْرُ الْقَنَاةِ وَبَثَّةُ الصِّدْرِ وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ فَدُونَكُمْ مَوْهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ نَقِبَةَ الْخُفِّ بَاقِيَةَ الْعَارِ مَوْسُومَةً
بِغَضَبِ الْجَبَّارِ وَشَنَارِ الْأَبَدِ مَوْضُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْقِذَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

ای گروه انصار، شما حاضر و ناظر باشید و میراث پدر من مورد دستبرد دیگران واقع گردد؟! شما مشمول

دعوت من گشته و در معرض امتحان و آزمایشید، حال اینکه شما برخوردار از سلاح و تجهیزات جنگی بوده و معروف
به اهل خیر و صلاح و نیکوکاری هستید، چه شده که اکنون دعوت مرا شنیده و یاریم نمی کنید؟! و ناله ام را می شنوید
و به فریادم نمی رسید؟! با اینکه شما در گذشته به تلاش و شجاعت و نبرد و تحمل سختیها و استقامت شناخته شده
و آن گروه منتخب مخصوص ما اهل بیت بودید؟!

آری من با کمال دقت و معرفت شما را از آن ضلالت و خذلان و تیرگی که ظاهر و باطن شما را فرا گرفته است
آگاه ساختم، و ناخواسته لبریز جان شد، و شور و خشمی به بیرون جهید، و طاقتم طاق شد، و حبس آن نتوانستم، و
پیشگیرانه بر زبانم آمد، اکنون بگیرید و ببرید این شتری که به ناحق غضب نمودید و این دابّه خلافت و فدک را مأخوذ
دارید او را رام و منقاد خود شمارید و به آسودگی سوار شوید، اما بدانید که پای این دابّه مجروح و پشت او زخم دارد،
حمل آن عار؛ و ننگ آن باقی و برقرار و به وسم و نشان خداوند تعالی داغدار و موسوم بودنش به ننگ همیشگی آشکار
و پیوسته و متصل به آتش غضب خداوندگار و کشاننده است راکب خود را به سوی آتشی که شکافنده قلب فاجران و
کفار نابکار است همانا خداوند نگران است بدان چه میکنید و میداند ظالمان به کجا میروند و جای میگیرند.

من دخت پیغمبر شمایم که برایتان بشیر و نذیر بود، و شما را به عذاب شدید بیم می داد، پس آنچه که
می توانید انجام دهید، ما نیز انتقام خواهیم کشید، حال شما منتظر آن روز باشید، ما نیز منتظر آن روز هستیم.

الطبرسي، أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب (متوفى ٥٤٨هـ)، الاحتجاج، ج ١، ص ١٠٨، تحقيق: تعليق

وملاحظات: السيد محمد باقر الخراسان، ناشر: دار النعمان للطباعة والنشر - النجف الأشرف، ١٣٨٦ - ١٩٦٦ م.

أبي الفضل احمد بن أبي طاهر المعروف بابن طيفور (متوفى ٢٨٠ هـ) بلاغات النساء، ص ١٢، ناشر: منشورات

مکتبه بصیرتی - قم.

خطبه فدکيه را علمای اهل سنت نیز در کتابهایشان نقل کرده اند و این خطبه اسناد متعددی دارد که باید مقاله

دیگری در باره آن نوشت.

علامه مجلسی رحمة الله علیه در کتاب شریف بحار الانوار فصلي را در باره این خطبه گشوده و قبل از ارائه

اسناد خطبه، بر مشهور بودن آن در میان علمای شیعه و اهل سنت تصریح کرده و می نویسد:

فصل نورد فيه: خطبة خطبتها سيدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله عليها احتج بها على من غصب فدك

منها. اعلم أن هذه الخطبة من الخطب المشهورة التي روتها الخاصة والعامة بأسانيد متضافرة.

در این فصل، خطبه سرور بانوان، فاطمه زهرا سلام الله عليها را که در مقابل غاصبان فدک به آن احتجاج کرده،

آورده ایم. بدان که این خطبه، از خطبه های مشهوری است که آن را محدثان شیعه و اهل سنت با سندهای فراوان نقل

کرده اند.

المجلسي، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۹، ص ۲۱۵، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

یکی از علمای اهل سنت که این خطبه را در کتابش آورده احمد بن ابی طاهر معروف به ابن طیفور است.

ایشان در پایان این خطبه که آن را از طریق زید بن علی از حضرت زینب سلام الله عليها نقل کرده، بر تصحیح سند

این خطبه تصریح کرده است:

قال أبو الفضل ... وقد رواه قوم وصحوه وكتبناه على ما فيه.

احمد بن ابی طاهر می گوید: ... این خطبه را گروهی نقل کرده اند و آن را تصحیح کرده اند و ما این خطبه را

طبق آنچه قوم آورده اند نوشتیم.

أبي الفضل احمد بن أبي طاهر المعروف بابن طيفور (متوفای ۲۸۰ هـ) بلاغات النساء، ج ۱، ص ۸، ناشر: منشورات

مكتبة بصيرتي - قم.

نتیجه:

با توجه به روایاتی که بیان شد، حضرت زهرا سلام الله عليها در شش مرحله ، فدک را به صورت های مختلف

طلب کردند.

چند سؤال از اهل سنت

۱. چرا امیر مؤمنان علیه السلام که همیشه همراه پیامبر (صلي الله عليه وآله) بوده است، «روایت لانورث» را

نشنيده اند.

۲. چرا رسول خدا صلي الله عليه وآله به دخترش که مهمترین وارث ایشان است وصیت نکردند که بعد از من

فدك را مطالبه نکن و اختیار آن با کسی است که بعد از من خلیفه می شود؟

۳. فدك در اختیار حضرت زهرا سلام الله علیها بود و کارگزارانش در آنجا کار می کردند در نتیجه فاطمه زهرا

ذوالید محسوب می شد؛ اما خلیفه اول عامل حضرت زهرا را از فدك بیرون کرد و آن را تصاحب نمود. سؤال این است

که چرا ابوبکر قاعده ذوالید را در باره فدك اجرا نکرد؟

۴. بنا به هر دلیلی وقتی شهادت شاهدان حضرت مورد قبول واقع نشد، و یا به ادعای اهل سنت شاهدان مورد

نظر ابوبکر فراهم نشد، چرا ابو بکر که منکر ملکیت فدك بود، قسم نخورد؟ آیا قاعده «الیمین علی من انکر» این مورد

را نمی گیرد؟

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)